

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد      بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

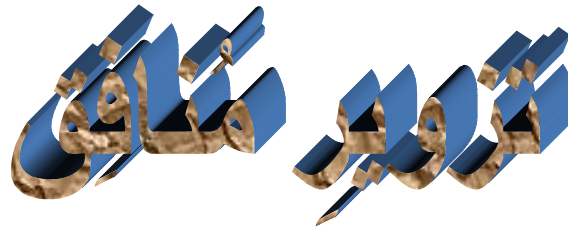
[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

ط ن ز

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن – المان



مردیم و به نامرد ، سر و کار نداریم  
آزاده شعاریم و ، غم دار نداریم  
چون آئینه ، با صیقل تدبیر و تدبیر  
از بدگنشان ، صفحه زنگار نداریم  
بس آب زلالیم و شفافیم و روانیم  
با سر زدن سنگ ز کس عار نداریم  
در سینه بی کینه فارغ ، زغل و غش  
غیر از دل صد پاره و افکار نداریم  
با منطق و با عقل و خرد ، در همه حالت  
وز باور خود ، نزد کس انکار نداریم  
با فخر ببالیم و ، بنازیم که میراث  
از کس نگرفتیم و ، به بگذار نداریم

تحقیق نمودیم و به محبوب رسیدیم  
دیگر غم از انکار و از اقرار نداریم  
سیمرغ و چو عنقا و عقابان چکادی  
هرگز هوس لاشه مردار نداریم  
هر لحظه به ما فخر بود خدمت ابرار  
ننگست اگر ننگ ، ز اشرار نداریم  
اشرار شرر آرد و بدجنسی و نفرت  
شیطان به پرستیدن اغیار نداریم  
صد پاره شدی دامن تزویر منافع  
در سوزن هر جاهلی ، ما ، تار نداریم  
بر صفحه تدبیر ، شب و روز به جولان  
زیرا قلم لشم ، به پرکار نداریم  
بر پاسخ هر ناخلفی ، هیچ نگوئیم  
چون تربیت کوجه و بازار نداریم  
از بی ادبان شهر بدل کرده خموشیم  
در ملک ادب ، موش به هر غار نداریم  
چون ماش نطولیم و چو سابون نلخچیم  
زیرا هوس یاری غدار نداریم  
با مردم چند چهره و ، با جاهل و نادان  
حرف و سخن و هم گپ و گفتار نداریم  
آمد همگی طعنه به ما داد که چون فیل  
در گوش کسی پچ پچ و آزار نداریم  
از پوکئی آن فیل ، که با نقطه شود قیل  
آذان ز آذانش کرو ، پندار نداریم  
شخصیت خیراتی و کاذب ، به پلیدان

زاغ و زغن و کرگس و کفتار نداریم  
پوهاند و پروفیسر و هم داکتر و استاد  
القاب ، به راکت زن خرسوار نداریم  
پولی که حرام است و مخالف به شریعت  
زهریست که در گژدم و در مار نداریم  
از دزدی و از رشوه و ، قاچاق و مخدر  
از ودکه و از بیر و ز سیگار نداریم  
در جرگه ملی که ملقب به نجاتست  
یک عاقل و فرزانه و هشیار نداریم  
باغ و چمن میهن ما سوخت ، به باله  
برگ و گل و هم سرو و سپیدار نداریم  
از راکت و خمپاره گلبدین بی دین  
میهن شده ویرانه و ، معمار نداریم  
مادروطن افسرده و زخمی و جگرخون  
درمانگر و ، دارو و ، پرستار نداریم  
ما غنچه گل از باغ وفا و چمن عشق  
پر رنگ و پر عطریم و ولی خار نداریم  
در دل گهر مهر و به لب حرف محبت  
چیزی دگری بهر و وطندار نداریم  
تا وحدت عالم به جهان ، رنگ نگیرد  
نرم قلم نقد ، ز اشعار نداریم  
« نعمت » ز بزرگان سخنی در دم آخر  
جز بیت تری ، خدمت ابرار نداریم  
**"ما نخل و فائیم ، پر از میوه توحید"**  
**هر رهگذری سنگ زند عار نداریم"**